



Research Article

Volume-05|Issue-02|2025

امنیتی‌سازی هویت دینی مهاجرین مسلمان در فرانسه

Subhanullah Subhani

PhD student at Kharazmi University, Tehran, Iran & Professor, Orchid ID: <https://orcid.org/0009-0004-9217-9139>
subhanullah.subhani349@gmail.com

Article History

Received: 27.02.2025

Accepted: 20.03.2025

Published: 30.03.2025

Citation

Subhani, S. (2025). امنیتی‌سازی هویت دینی مهاجرین مسلمان در فرانسه. *Indiana Journal of Multidisciplinary Research*, 5(2), 25-33.

چکیده

امنیتی‌سازی هویت دینی مهاجرین مسلمان در فرانسه یکی از چالش‌های کلیدی در تعامل میان مهاجرت، هویت‌گرایی و سیاست‌های امنیتی در این کشور است، با توجه به نقش محوری سکولاریسم (لایسیته) در ساختار سیاسی و اجتماعی فرانسه، مهاجرین مسلمان اغلب در تقاطع سیاست‌های همگون‌سازی فرهنگی و نگرانی‌های امنیتی قرار می‌گیرند. این تحقیق بدنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه امنیتی‌سازی هویت دینی مهاجرین مسلمان در فرانسه از طریق سیاست‌ها و گفت‌وگوهای امنیتی، بر حقوق شهروندی، هویت فرهنگی و انسجام اجتماعی تأثیر گذاشته است؟ سیاست‌ها و گفت‌وگوهای امنیتی دولت فرانسه، به‌ویژه پس از حملات تروریستی، با تقویت فرایند امنیتی‌سازی هویت دینی مهاجرین مسلمان، موجب محدودیت حقوق شهروندی، تشدید شکاف‌های اجتماعی و کاهش انسجام ملی شده است. این تحقیق به بررسی روند امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان در فرانسه می‌پردازد و تأثیر سیاست‌ها و گفت‌وگوهای امنیتی بر زندگی اجتماعی، حقوق شهروندی و هویت فرهنگی این گروه را تحلیل می‌کند، همچنین واکنش‌های دولت فرانسه به تهدیدات تروریستی و استفاده از گفت‌وگوهای سکولار به‌عنوان ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات امنیتی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مقاله استدلال می‌کند که سیاست‌های محدودکننده نظیر ممنوعیت نمادهای مذهبی در اماکن عمومی، نه تنها هویت دینی مسلمانان را به یک مسأله امنیتی تبدیل کرده، بلکه موجب تشدید شکاف‌های اجتماعی و کاهش انسجام ملی نیز شده است، با تحلیل گفت‌وگوهای رسانه‌ای، قوانین مصوب و پیامدهای اجتماعی آن‌ها، این پژوهش پیامدهای امنیتی‌سازی بر همزیستی مسالمت‌آمیز و انسجام اجتماعی در فرانسه را روشن می‌کند، نتایج نشان می‌دهد که اتخاذ رویکردهای بازنگری در سیاست‌های موجود، برای تقویت عدالت اجتماعی و کاهش تنش‌های هویتی ضروری است.

واژه‌های کلیدی: امنیتی‌سازی، هویت دینی، مهاجرین مسلمان، سکولاریسم (لایسیته)، سیاست‌های امنیتی، انسجام اجتماعی

Abstract: The securitization of the religious identity of Muslim immigrants in France is one of the key challenges in the interaction between immigration, identity politics, and security policies in this country. Given the central role of secularism (laïcité) in the political and social structure of France, Muslim immigrants are often at the intersection of cultural assimilation policies and security concerns. This research seeks to answer the question of how the securitization of the religious identity of Muslim immigrants in France through security policies and discourses has affected citizenship rights, cultural identity, and social cohesion? The security policies and discourses of the French government, especially after the terrorist attacks, have led to restrictions on citizenship rights, exacerbation of social divisions, and a decrease in national cohesion by strengthening the securitization of the religious identity of Muslim immigrants. This research examines the process of securitization of Muslim religious identity in France, analyzing the impact of security policies and discourses on the social life, civil rights, and cultural identity of this group. It also examines the French government's responses to terrorist threats and the use of secular discourse as a tool to legitimize security measures. This article argues that restrictive policies, such as the ban on religious symbols in public places, have not only turned Muslim religious identity into a security issue, but have also exacerbated social divisions and reduced national cohesion. By analyzing media discourses, enacted laws, and their social consequences, this research sheds light on the consequences of securitization on peaceful coexistence and social cohesion in France. The results indicate that adopting more comprehensive approaches and reviewing existing policies is necessary to strengthen social justice and reduce identity tensions.

Keywords: Securitization, religious identity, Muslim immigrants, secularism, security policies, social cohesion

Copyright © 2025 The Author(s): This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY-NC 4.0).

1-مقدمه

فرانسه به‌عنوان یکی از کشورهای پیشرو در پذیرش مهاجرین، به‌ویژه مهاجرین مسلمان، همواره با چالش‌های مربوط به هویت، انسجام اجتماعی و سیاست‌های امنیتی مواجه بوده است، مهاجرت گسترده از کشورهای اسلامی، به‌ویژه پس از جنگ‌های جهانی، تحولات استعمارزدایی، و بحران‌های اخیر در خاورمیانه، باعث شکل‌گیری جوامع قابل توجهی از مسلمانان در این کشور شده است (Castles & Miller, 2009). این جمعیت، به‌دلیل پایبندی به ارزش‌ها و هنجارهای مذهبی خاص، در تقاطع با سیاست‌های سکولاریسم فرانسوی قرار گرفته‌اند؛ مفهومی که اساس تعامل دولت با مسائل اجتماعی و فرهنگی است (Bowen, 2010)، در این بستر هویت دینی مسلمانان به‌صورت فزاینده‌ای در کانون سیاست‌های امنیتی قرار گرفته است، به‌ویژه پس از حوادث تروریستی سال‌های اخیر.

امنیتی‌سازی، مفهومی که ریشه در نظریه امنیتی کپنهاگ دارد، به فرآیندی اشاره دارد که طی آن مسائل اجتماعی یا فرهنگی به عنوان تهدیدات امنیتی بازنمایی می‌شوند (Buzan, Waever, & de Wilde, 1998)، در این راستا هویت دینی مسلمانان در فرانسه از طریق گفت‌وگوها و سیاست‌های دولتی به‌عنوان تهدیدی برای سکولاریسم، انسجام اجتماعی و امنیت ملی تصویر شده است. قوانین محدودکننده‌ای نظیر ممنوعیت حجاب در مدارس و فضاهای عمومی (قانون 2004) و همچنین طرح‌های جدید مقابله با «جدایی‌طلبی اسلامی»، نشانگرگرایی به امنیتی‌سازی نمادهای دینی است که می‌تواند به ایجاد احساس تبعیض و انزوای اجتماعی در میان مسلمانان منجر شود (Cesari, 2013).

امنیتی‌سازی به فرایندی اشاره دارد که در آن موضوعات اجتماعی یا فرهنگی خاص، به‌عنوان تهدیدات امنیتی برای دولت و جامعه تعریف می‌شوند، در این راستا، هویت دینی مسلمانان در فرانسه تحت تأثیر گفتمان‌های سیاسی، رسانه‌ای و امنیتی قرار گرفته و به‌طور فزاینده‌ای به مسئله‌ای حساس تبدیل شده است، از یکطرف حوادث تروریستی مرتبط با گروه‌های افراطی در سال‌های اخیر، فضای اجتماعی و سیاسی را به سمت تعمیم‌پذیری نگرش‌های منفی نسبت به جامعه مسلمانان سوق داده است، از سوی دیگر، سیاست‌های سخت‌گیرانه دولت فرانسه در قبال نمادها و رفتارهای دینی، مانند ممنوعیت حجاب در مدارس و محدودیت‌های مربوط به پوشش اسلامی، به بحث‌های گسترده‌ای درباره حقوق بشر، آزادی مذهبی و سیاست‌های هویتی دامن زده است.

انسجام اجتماعی، که به همبستگی میان گروه‌های مختلف در یک جامعه اشاره دارد، به‌شدت تحت تأثیر سیاست‌های امنیتی و فرهنگی قرار می‌گیرد (Chan, 2006)، در فرانسه سیاست‌های مبتنی بر سکولاریسم تلاش کرده‌اند تا از طریق همگون‌سازی فرهنگی، یکپارچگی ملی را حفظ کنند؛ اما این رویکرد، به‌ویژه در مواجهه با جوامع مسلمان، به جای تقویت انسجام، به شکاف‌های اجتماعی دامن زده است (Fernando, 2014)، بازنمایی رسانه‌ای منفی از مسلمانان، همراه با سیاست‌های دولتی محدودکننده، نه‌تنها به احساس بیگانگی در میان این جمعیت منجر شده، بلکه باعث شده است گروه‌های افراطی از این شکاف‌ها برای ترویج ایدئولوژی‌های خود بهره‌برداری کنند (Vidino, 2017).

این پژوهش تلاش دارد تا با تمرکز بر مفهوم امنیتی‌سازی و ارتباط آن با انسجام اجتماعی، تأثیر گفتمان‌ها و سیاست‌های امنیتی فرانسه بر مسلمانان این کشور را تحلیل کند، این مطالعه بر آن است تا نشان دهد چگونه فرایند امنیتی‌سازی هویت دینی، می‌تواند به تضعیف همبستگی اجتماعی و افزایش تنش‌های هویتی در فرانسه منجر شود، بررسی این موضوع از دو منظر حائز اهمیت است: نخست‌از منظر نظری، تحلیل امنیتی‌سازی به درک عمیق‌تری از رابطه بین سیاست، امنیت و هویت فرهنگی منجر می‌شود. دوم، از منظر کاربردی، این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران در جهت تدوین سیاست‌هایی فراگیرتر و عادلانه‌تر کمک کند که به جای تشدید تنش‌ها، به تقویت همبستگی و انسجام اجتماعی بینجامد، این تحقیق بدنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه امنیتی‌سازی هویت دینی مهاجرین مسلمان در فرانسه از طریق سیاست‌ها و گفتمان‌های امنیتی، بر حقوق شهروندی، هویت فرهنگی و انسجام اجتماعی تأثیر گذاشته است؟ سیاست‌ها و گفتمان‌های امنیتی دولت فرانسه، به‌ویژه پس از حملات تروریستی، با تقویت فرایند امنیتی‌سازی هویت دینی مهاجرین مسلمان، موجب محدودیت حقوق شهروندی، تشدید شکاف‌های اجتماعی و کاهش انسجام ملی شده است.

2- چارچوب نظری، نظریه امنیتی‌سازی (Securitization Theory) - مکتب کپنهاگ

امنیتی‌سازی فرایندی است که طی آن یک موضوع عادی (مانند مهاجرت، تغییرات اقلیمی، یا هویت فرهنگی) از طریق گفتمان و اعمال کنشگران سیاسی یا اجتماعی به‌عنوان تهدیدی وجودی برای بقا، هویت یا امنیت ملی تعریف می‌شود، نظریه امنیتی‌سازی یکی از مفاهیم کلیدی مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیت بین‌الملل است که به تحلیل فرایند تبدیل یک موضوع به مسئله‌ای امنیتی می‌پردازد (Buzan, 1998). این نظریه توسط پژوهشگران برجسته‌ای مانند (Barry Jaap de Wilde, Ole Wæver, Buzan)، معرفی و گسترش یافت و بر این ایده استوار است که امنیت یک واقعیت عینی نیست، بلکه یک سازه اجتماعی است، نظریه امنیتی‌سازی بخشی از تحول در مطالعات امنیتی است که در اواخر قرن بیستم از تمرکز صرف بر امنیت نظامی به امنیت گسترده‌تر، شامل ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، گسترش یافت، مکتب کپنهاگ در دهه 1990 به دنبال فاصله‌گیری از نظریه‌های سنتی امنیت مانند واقع‌گرایی، مفهوم امنیت را بازتعریف کرد، امنیتی‌سازی زمانی موفق است که مخاطبان (جامعه، نخبگان سیاسی یا دیگر کنشگران) این تهدید را بپذیرند و اقدامات استثنایی برای مقابله با آن توجیه شود، نظریه کپنهاگ امنیت را به بخش‌های مختلفی مانند امنیت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی تقسیم می‌کند. در اینجا، امنیت اجتماعی و فرهنگی مرتبط با هویت دینی مهاجرین مسلمان مطرح است (Buzan, 1991).

1-2 سه مولفه‌های اصلی نظریه امنیتی‌سازی

الف- کنشگران امنیتی (Securitizing Actors): افرادی یا نهادهایی که با استفاده از قدرت گفتمانی، موضوعی را به تهدید امنیتی تبدیل می‌کنند، این کنشگران ممکن است شامل سیاست‌مداران، نخبگان امنیتی، رسانه‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی باشند.
ب- گفتمان امنیتی (Speech Act): امنیتی‌سازی از طریق بیان یا گفتمان انجام می‌شود، گفتمان امنیتی باید به‌گونه‌ای باشد که موضوع را به‌عنوان تهدیدی وجودی برای بقا یا هویت تعریف کند.
ج- پذیرش توسط مخاطبان: امنیتی‌سازی تنها زمانی موفق است که مخاطبان (جامعه، نخبگان سیاسی یا سایر گروه‌ها) گفتمان امنیتی را بپذیرند و اقدامات استثنایی را توجیه کنند.

2-2 ویژگی‌های نظریه امنیتی‌سازی

الف- ماهیت ساختاری: امنیت در این نظریه یک مفهوم مطلق نیست، بلکه به‌طور گفتمانی ساخته می‌شود، یعنی یک موضوع تنها زمانی تهدید محسوب می‌شود که به‌عنوان تهدید تعریف شود.
ب- چندبعدی بودن: نظریه امنیتی‌سازی فراتر از امنیت نظامی، به ابعاد مختلف امنیت، از جمله امنیت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌پردازد.
ج- اقدامات استثنایی: امنیتی‌سازی معمولاً منجر به اقداماتی می‌شود که خارج از چارچوب‌های عادی قوانین یا سیاست‌گذاری‌ها قرار دارند، مانند محدودیت‌های حقوقی، سرکوب اجتماعی یا اعمال قوانین اضطراری.
د- نقش گفتمان: تمرکز نظریه بر قدرت گفتمان و زبان است. با استفاده از زبان، کنشگران می‌توانند مسئله‌ای عادی را به تهدیدی جدی تبدیل کنند.

3-2 اهداف نظریه امنیتی‌سازی

الف- درک فرایند ساخت تهدیدات: این نظریه تلاش می‌کند نشان دهد که چگونه موضوعاتی که ذاتاً تهدید نیستند، از طریق گفتمان و اعمال سیاسی به تهدید تبدیل می‌شوند.
ب- تحلیل نقش کنشگران سیاسی و اجتماعی: بررسی نقش سیاست‌مداران، رسانه‌ها و نخبگان در ساخت تهدیدات امنیتی و تأثیر آن بر سیاست‌گذاری‌ها.
ج- نقد سیاست‌های استثنایی: نظریه امنیتی‌سازی ابزاری برای نقد سیاست‌هایی است که با استفاده از گفتمان امنیتی، محدودیت‌هایی بر آزادی‌ها و حقوق انسانی اعمال می‌کنند.
د- گسترش مفهوم امنیت: این نظریه تلاش می‌کند تا امنیت را به حوزه‌های غیرنظامی مانند هویت، فرهنگ و محیط‌زیست گسترش دهد.

4-2 امنیتی‌سازی هویت دینی مهاجرین مسلمان در فرانسه

فرانسه به دلیل اصول لائیکسیت و جدایی دین از سیاست، از حساسیت بالایی نسبت به مسائل دینی برخوردار است، با افزایش مهاجرت مسلمانان، هویت دینی آن‌ها به یک مسئله بحث‌برانگیز تبدیل شده است (Wæver, 1995)، نظریه امنیتی‌سازی به ماکمک می‌کند تا درک کنیم چگونه این هویت دینی در گفتمان‌های سیاسی و رسانه‌ای فرانسه به تهدیدی برای ارزش‌های ملی و سکولار این کشور تبدیل شده است، این نظریه کمک می‌کند تا تحلیل کنیم چگونه هویت دینی

مسلمانان به یک تهدید برای ارزش‌های لائیک فرانسه تبدیل شده است و چگونه گفت‌وگوهای سیاسی و رسانه‌ای، این مسئله را تشدید کرده‌اند، پس از حوادث تروریستی در فرانسه (مانند حملات شارلی ابدو یا حملات پاریس)، گفت‌وگوهای سیاسی و رسانه‌ای مسلمانان را با تروریسم و افراط‌گرایی پیوند داده است، حجاب، پوشش اسلامی و ساخت مساجد در فرانسه به عنوان نمادهایی از تهدید علیه لائیسیتیه و هویت ملی فرانسه معرفی شده‌اند، احزاب راست‌گرای افراطی مانند جبهه ملی (حالا با نام "اجتماع ملی") و حتی برخی از سیاستمداران جریان اصلی، مهاجرت مسلمانان و نمادهای دینی آن‌ها را به عنوان تهدیدی برای هویت فرهنگی و امنیت اجتماعی فرانسه مطرح کرده‌اند، نظریه امنیتی‌سازی با تأکید بر نقش گفت‌وگو و فرایند اجتماعی ساخت تهدیدات، ابزاری قدرتمند برای تحلیل سیاست‌ها و گفت‌وگوهای امنیتی معاصر است (Wæver, 2004).

3- پیشینه تاریخی مهاجرت مسلمانان به فرانسه

تاریخ حضور مسلمانان در قاره اروپا، به سال‌های بسیار دور، یعنی دوره‌های اولیه اسلام، برمی‌گردد. تجار و بازرگانان مسلمان و نمایندگان سیاسی، یکی از عوامل مهم گسترش اسلام در سراسر جهان و از جمله قاره اروپا بوده‌اند. مسلمانان در تمامی دوران حضور در اروپا، میراث بسیار با ارزش فرهنگی از خود به یادگار گذاشتند. حضور اولیه مسلمانان، در سیسیل ایتالیا و اسپانیا بود که با پیروزی نرمن‌ها در منطقه سیسیل در قرن یازدهم و بر اسپانیا در سال ۱۴۹۲ حضور مسلمانان بسیار کم‌رنگ شد. بعد از آن، در دوره مغول‌ها با تسلط مغول‌ها بر آسیای مرکزی، دین اسلام به عنوان دین اکثریت قریب به اتفاق آن جوامع شناخته شده، از آن طریق، بسیاری از مسلمانان در قالب سربازان دولتی، تجار و بازرگانان با نفوذ در قلمرو روسیه، مانند فلاند، لهستان و اوکراین، دست به ترویج اسلام زدند (John L, 1995). با شروع حکومت عثمانی، گسترش اسلام به سوی اروپای مرکزی و حوزه بالکان شروع شد. این مساله باعث گسترش جمعیت ترک زبان در کشورهای چون بلغارستان، یوگسلاوی، رومانی و یونان شد. تعداد بی‌شماری از مردم این مناطق هم رفته رفته مسلمان شدند، تا حدی که کشور آلبانی در قلب اروپا، به کشوری با اکثریت مسلمان تبدیل شد. مهاجرت مسلمانان به فرانسه، به‌ویژه از مستعمرات سابقی مانند الجزایر، مراکش و تونس، تأثیر عمیقی بر ساختار جمعیتی و فرهنگی این کشور داشته است. این روند مهاجرتی در چند مرحله تاریخی قابل بررسی است:

1-3 مهاجرت از مستعمرات فرانسه در دوران استعمار و جنگ جهانی اول: پیش از جنگ جهانی اول، مهاجرت مسلمانان به فرانسه به عنوان کارگران ارزان‌قیمت از شمال آفریقا آغاز شد، در سال ۱۹۱۲، بیش از پنج هزار کارگر الجزایری در صنایع مختلف فرانسه مشغول به کار بودند. با وقوع جنگ جهانی اول و نیاز به نیروی کار و سرباز، این مهاجرت افزایش یافت؛ به طوری که در خلال سال‌های جنگ، بیش از دویست هزار الجزایری به فرانسه وارد شدند که بخشی از آن‌ها برای همیشه در این کشور ماندگار شدند (Sadiqi, 2003).

2-3 دوران پس از جنگ جهانی دوم: پس از جنگ جهانی دوم، فرانسه برای بازسازی کشور به نیروی کار نیاز داشت و این امر باعث شد تا مهاجرت از مستعمرات سابق، به‌ویژه الجزایر، مراکش و تونس، افزایش یابد، این مهاجران عمدتاً در صنایع و معادن فرانسه مشغول به کار شدند و به تدریج جوامع مسلمان در شهرهای مختلف فرانسه شکل گرفت، دولت فرانسه به‌طور رسمی سیاست‌هایی را برای پذیرش مهاجران از کشورهای مستعمره خود اتخاذ کرد (Simon, 2013)، در این دوره، مهاجران مسلمان به‌ویژه از الجزایر، مراکش و تونس به فرانسه مهاجرت کردند و در بخش‌های صنعتی، کشاورزی و ساختمانی مشغول به کار شدند. به‌طور تقریبی در سال ۱۹۶۲، حدود یک میلیون الجزایری به فرانسه مهاجرت کردند (Burgat, 2016).

3-3 نقش تاریخی و سیاسی این مهاجرت‌ها در شکل‌گیری جامعه مسلمانان فرانسه: مهاجرت گسترده مسلمانان از مستعمرات سابق به فرانسه، منجر به شکل‌گیری جوامع مسلمان با هویت‌های فرهنگی و دینی خاص خود در این کشور شد. در این دوره، مسئله هویت دینی و فرهنگی مسلمانان، که بخشی از هویت ملی آنها محسوب می‌شود، به یکی از مسائل مهم سیاسی تبدیل شد. در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، با مهاجرت بیشتر مسلمانان، به‌ویژه از الجزایر پس از استقلال این کشور، نیاز به ایجاد نهادهایی برای کمک به همبستگی این جوامع در فرانسه بیشتر شد، این جوامع تأثیر قابل‌توجهی بر بافت اجتماعی و فرهنگی فرانسه داشته و به تنوع فرهنگی این کشور افزوده‌اند، بالاین‌حال، حضور این جوامع همواره با چالش‌هایی نظیر تبعیض، نژادپرستی و اسلام‌هراسی مواجه بوده است (Gibson, 2017).

4-3 تأثیر تاریخ استعمار بر گفت‌وگوهای امروزی درباره مسلمانان: تاریخ استعمار فرانسه در شمال آفریقا و مهاجرت‌های پس از آن، تأثیر عمیقی بر گفت‌وگوهای معاصر درباره مسلمانان در فرانسه داشته است، سیاست‌های استعماری و برخوردهای خشونت‌آمیز با مردم مستعمرات، تصاویری منفی از مسلمانان در ذهن برخی از فرانسویان به‌جا گذاشته است، به عنوان مثال، کشتار ۴۵ هزار الجزایری توسط نظامیان فرانسوی در ۸ می ۱۹۴۵، نمونه‌ای از این برخوردهای خشونت‌آمیز است، این سابقه تاریخی، در کنار مسائل معاصر نظیر حملات تروریستی و بحران‌های مهاجرتی، به تقویت گفت‌وگوهای اسلام‌هراسانه و امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان در فرانسه منجر شده است، این گفت‌وگوها، مسلمانان را به عنوان "دیگری خطرناک" معرفی کرده و به تبعیض‌های ساختاری و اجتماعی علیه آن‌ها دامن زده است، این گفت‌وگوها منفی و بعضاً نژادپرستانه هنوز هم در برخی از بخش‌های جامعه فرانسوی وجود دارد. علاوه بر این، پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و بحران‌های مختلف در سراسر جهان، مسلمانان در فرانسه به‌ویژه در رسانه‌ها به عنوان "دیگری" و "خطرناک" معرفی شدند (Tissot, 2018). این گفت‌وگوها باعث تقویت سیاست‌های امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان در فرانسه شده است، نظرسنجی‌ها و مطالعات نشان داده‌اند که بسیاری از فرانسوی‌ها مسلمانان را به عنوان تهدیدی برای هویت فرهنگی و ملی خود می‌بینند (Boubekeur, 2020)، این گفت‌وگوها نه تنها به تبعیض و نژادپرستی منجر شده است، بلکه بر سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی نیز تأثیر گذاشته است.

4- مفهوم امنیتی‌سازی و کاربرد آن در این زمینه

1-4 تعریف امنیتی‌سازی (Securitization) و کاربرد آن در مطالعات امنیتی: امنیتی‌سازی به فرایند تبدیل یک موضوع یا تهدید خاص به یک مشکل امنیتی گفته می‌شود که به موجب آن، موضوع مورد نظر به گونه‌ای مطرح می‌شود که تهدیدی برای امنیت ملی یا اجتماعی محسوب می‌شود. این مفهوم ابتدا توسط «کاس بارکین» و «مردیت بومن» در چارچوب نظریه انتقادی امنیتی‌سازی مطرح شد. بر اساس این نظریه، وقتی یک تهدید به یک موضوع امنیتی تبدیل می‌شود، موضوع باید به طور خاصی در رسانه‌ها و از سوی سیاست‌گذاران بیان شود تا به عنوان تهدیدی فوری و ضروری شناخته شود (Buzan, 1998) (et al)، در مطالعات امنیتی، امنیتی‌سازی به‌طور خاص در ارتباط با تهدیدات امنیتی مانند تروریسم، مهاجرت و بحران‌های انسانی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. این فرایند از طریق سخنرانی‌ها و بیانیتهای دولت‌ها و نخبگان سیاسی، رسانه‌ها و افکار عمومی صورت می‌گیرد.

2-4 چگونگی تبدیل هویت دینی مسلمانان از یک موضوع اجتماعی-فرهنگی به یک تهدید امنیتی: در دنیای معاصر، هویت دینی مسلمانان در بسیاری از نقاط جهان، به‌ویژه پس از حوادث 11 سپتامبر 2001، تبدیل به یک تهدید امنیتی در برخی کشورهای غربی شده است، مسلمانان به عنوان یک گروه مذهبی و فرهنگی با هویت خاص، در این فرآیند به عنوان یک تهدید امنیتی در نظر گرفته شده‌اند که ممکن است به تروریسم، رادیکالیسم دینی یا حتی تهدیدات

امنیتی دیگر منجر شوند، این تغییر در نحوه مشاهده هویت دینی مسلمانان، به‌ویژه در کشورهای غربی، به‌طور عمده از طریق امنیتی‌سازی به‌وجود آمده است. از یک سو، رسانه‌ها و گروه‌های افراطی تصویر منفی از مسلمانان و اسلام ساخته‌اند و از سوی دیگر، دولت‌ها از این وضعیت بهره‌برداری کرده‌اند تا سیاست‌های خاصی همچون محدودیت‌های مهاجرتی یا نظارت‌های امنیتی را اعمال کنند، این روند در واقعیت اجتماعی باعث می‌شود که هویت مسلمانان به‌جای آنکه به‌عنوان یک ویژگی اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته شود، به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی و جامعه شناخته شود. این وضعیت نتیجه‌ی فرآیندهای امنیتی‌سازی است که به‌ویژه در جهان پس از 11/9 شاهد آن بودیم (Moghaddam, 2017).

3-4 بررسی عوامل کلیدی در امنیتی‌سازی: در فرآیند امنیتی‌سازی چندین عامل و بازیگر اصلی نقش دارند که در زیر به تفصیل به آن‌ها پرداخته شده است.

الف- دولت‌ها و سیاست‌گذاران: دولت‌ها و سیاست‌گذاران از قدرت بالایی برای امنیتی‌سازی دارند. آن‌ها از طریق سیاست‌های رسمی، قانون‌گذاری، و اظهار نظرهای عمومی می‌توانند موضوعات اجتماعی و فرهنگی را به تهدیدات امنیتی تبدیل کنند. دولت‌ها با بهره‌برداری از تهدیدات بالفعل یا فرضی، می‌توانند اقدامات ویژه‌ای از قبیل افزایش نظارت‌ها، اعمال محدودیت‌ها و حتی دخالت‌های نظامی را توجیه کنند، برای مثال، پس از حملات 11 سپتامبر، ایالات متحده آمریکا با استفاده از امنیتی‌سازی اسلام‌گرایان افراطی، سیاست‌های جدید امنیتی را پیاده‌سازی کرد که شامل تدابیر نظارتی شدیدتر، جنگ‌های پیش‌دستانه در کشورهای خاورمیانه و قوانینی چون «پاتریوت اکت» بود (Jenkins, 2008). دولت‌ها می‌توانند تهدیدات بالقوه را شناسایی کرده و آن‌ها را در سیاست‌های عمومی و بین‌المللی خود وارد کنند. این سیاست‌ها می‌توانند شامل ایجاد محدودیت‌های جدید، اعمال تدابیر امنیتی ویژه و همکاری‌های امنیتی بین‌المللی باشد.

استفاده از زبان امنیتی و خطابه‌ها: یکی از ابزارهای اصلی دولت‌ها در فرآیند امنیتی‌سازی، استفاده از زبان و خطابه‌های امنیتی است. سیاست‌گذاران و رهبران سیاسی از طریق سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها و اظهارات عمومی می‌توانند موضوعاتی مانند مهاجرت، هویت دینی یا گروه‌های اجتماعی خاص را به تهدیدات امنیتی معرفی کنند. این نوع گفتار، تهدیدات را به‌گونه‌ای مطرح می‌کند که به جامعه القا می‌شود که تهدیدات مستقیماً امنیت ملی، اجتماعی یا فرهنگی را تهدید می‌کنند و به اقدام فوری و ویژه نیاز دارند، برای مثال، بعد از حملات تروریستی 11 سپتامبر، رهبران سیاسی کشورهای غربی با استفاده از عبارتهایی همچون «جنگ علیه تروریسم» و «تروریسم اسلامی»، تصویری منفی و خطرناک از مسلمانان و اسلام ایجاد کردند. این زبان به‌طور مداوم استفاده شد تا افکار عمومی را به پذیرش اقدامات امنیتی شدیدتر، مانند نظارت بیشتر بر مسلمانان و محدودیت‌های مربوط به مهاجرت، سوق دهد، دولت‌ها برای تأکید بر تهدیدات امنیتی ایجاد شده، از سیاست‌های امنیتی خاص استفاده می‌کنند. این سیاست‌ها ممکن است شامل تقویت نیروی نظامی، ایجاد نهادهای امنیتی جدید، افزایش نظارت و کنترل بر گروه‌های خاص و تصویب قوانین جدید باشد. برای مثال، در پی حملات 11 سپتامبر، دولت ایالات متحده اقدام به ایجاد وزارت امنیت داخلی (DHS) کرد که هدف آن تقویت امنیت داخلی و مقابله با تهدیدات تروریستی بود.

علاوه بر این، دولت‌ها ممکن است از تدابیر اجرایی برای نظارت بر گروه‌ها و افراد خاص استفاده کنند، مثلاً از طریق بررسی سوابق مهاجرتی، گسترش پایگاه‌های داده اطلاعاتی، و تصویب قوانین امنیتی که به نهادهای دولتی اجازه می‌دهند تا اطلاعات بیشتری از شهروندان جمع‌آوری کنند. این سیاست‌ها ممکن است به‌طور غیرمستقیم به امنیتی‌سازی گروه‌های خاص مانند مسلمانان منجر شود، دولت‌ها علاوه بر اقدامات داخلی، از طریق همکاری‌های بین‌المللی و دوجانبه، می‌توانند تهدیدات امنیتی را جهانی کرده و آن‌ها را به یک موضوع امنیتی فراملی تبدیل کنند. مثلاً در بحران‌های جهانی مانند تهدیدات تروریسم اسلامی، کشورهای مختلف می‌توانند با یکدیگر همکاری کنند و از اطلاعات امنیتی مشترک استفاده کنند، به‌گونه‌ای که این تهدیدات به‌طور گسترده در سطح بین‌المللی به‌عنوان یک چالش امنیتی مشترک شناخته شوند، به‌عنوان نمونه، دولت‌ها در پی تهدیدات تروریستی بین‌المللی ممکن است برای تسهیل اقدامات امنیتی، توافق‌نامه‌های امنیتی با کشورهای دیگر امضا کنند یا حضور نیروهای نظامی خود را در مناطق خاص افزایش دهند. این نوع سیاست‌ها همچنین می‌تواند به امنیتی‌سازی گروه‌های خاص در سطح جهانی منجر شود (Buzan et al, 1998). گاهی اوقات دولت‌ها از امنیتی‌سازی برای مقاومت در برابر تغییرات اجتماعی و فرهنگی استفاده می‌کنند. به‌طور مثال، اگر گروه‌های اجتماعی خاص (مثل مسلمانان یا مهاجران) در حال تغییر دادن هویت اجتماعی یا فرهنگی کشور باشند، دولت‌ها ممکن است این تغییرات را به‌عنوان تهدید امنیتی معرفی کنند و آن‌ها را در قالب سیاست‌های ضدتروریسم یا امنیتی سرکوب کنند. این نوع امنیتی‌سازی می‌تواند شامل اقداماتی نظیر محدودیت‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی قانونی بر این گروه‌ها باشد.

ب- رسانه‌ها و گروه‌های افراطی: رسانه‌ها، به‌ویژه در دنیای معاصر که در آن فضای دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی دارند، نقشی حیاتی در فرآیند امنیتی‌سازی ایفا می‌کنند. رسانه‌ها از طریق پوشش‌های خاص و گاهی اوقات تحریف‌شده، می‌توانند هویت‌های اجتماعی و فرهنگی را به تهدیدات امنیتی تبدیل کنند، گروه‌های افراطی نیز نقش مهمی در این فرآیند دارند. آن‌ها از رسانه‌ها برای تبلیغ ایندولوژی‌های خود و برای تهدید کردن امنیت اجتماعی و فرهنگی کشورها استفاده می‌کنند. این گروه‌ها همچنین با استفاده از ترس و نگرانی‌های عمومی، به سرعت می‌توانند فرآیند امنیتی‌سازی را تقویت کنند (Fawaz, 2020).

ج- افکار عمومی: افکار عمومی یکی دیگر از عواملی است که می‌تواند در امنیتی‌سازی موثر باشد. نگرانی‌ها و ترس‌های عمومی معمولاً به راحتی از طریق رسانه‌ها و فضای دیجیتال قابل ایجاد یا تقویت است. در بسیاری از موارد، دولت‌ها و رسانه‌ها می‌توانند از این ترس‌های عمومی برای توجیه سیاست‌های امنیتی خاص خود استفاده کنند، تحقیقات نشان می‌دهند که ترس از «دیگری» یا ترس از افرادی که از نظر اجتماعی، فرهنگی یا مذهبی متفاوت هستند، می‌تواند به سرعت تبدیل به نگرانی‌های امنیتی شود و بر سیاست‌های داخلی و خارجی تأثیر بگذارد (Laclau, 2005).

5- قوانین و سیاست‌های دولتی در فرانسه

1-5 تحلیل سیاست‌ها و قوانین مرتبط با مسلمانان و دین اسلام در فرانسه: فرانسه، با تاریخچه‌ای پیچیده از رابطه با اقلیت‌ها و تفاوت‌های مذهبی، سیاست‌های خاصی را در قبال مسلمانان و دین اسلام اتخاذ کرده است. در چند دهه اخیر، فرانسه به‌ویژه پس از وقوع حملات تروریستی متعدد، قوانینی را تصویب کرده که به نظر بسیاری از ناظران، به‌طور غیرمستقیم مسلمانان را هدف قرار داده و هویت دینی آنان را به چالش کشیده است. در ادامه به مهم‌ترین قوانین و سیاست‌های فرانسه در این زمینه پرداخته می‌شود.

الف- ممنوعیت حجاب در مدارس (قانون 2004): در سال 2004، فرانسه قانونی تصویب کرد که طبق آن، دانش‌آموزان در مدارس دولتی از پوشیدن نمادهای مذهبی آشکار، از جمله حجاب، منع شدند. این قانون به‌ویژه بر مسلمانان تأثیر زیادی داشت، زیرا بسیاری از دختران مسلمان به‌طور سنتی از حجاب استفاده می‌کنند. دولت فرانسه این قانون را به‌عنوان تدبیری برای حفظ اصل لائیسیته (جدایی دین از دولت) و یکپارچگی اجتماعی معرفی کرد. بر اساس این قانون، پوشیدن حجاب یا سایر نمادهای مذهبی بزرگ (مانند صلیب‌های بزرگ یا کلاه یهودی) در مدارس دولتی ممنوع شد، این قانون باعث شد که بسیاری از مسلمانان و گروه‌های حقوق بشری آن را به‌عنوان نقض آزادی مذهبی و تحمیل یک دیدگاه سکولار به اقلیت‌های مذهبی تلقی کنند. منتقدان این قانون معتقدند

که این اقدام در واقع به نفع سیاست‌های امنیتی و کنترل فرهنگی بود که هدف آن محدود کردن آزادی‌های مذهبی و فرهنگی مسلمانان بود (Laurence & Vaisse, 2006).

ب- ممنوعیت پوشش (قانون 2010): در سال 2010، فرانسه قانون جدیدی را تصویب کرد که طبق آن، پوشیدن پوشیه (یا برقع) در مکان‌های عمومی ممنوع شد. این قانون به‌ویژه بر مسلمانانی که پوشش کامل بدن به‌ویژه صورت را انتخاب کرده‌اند تأثیرگذار بود. دولت فرانسه این قانون را با دلایل امنیتی و اجتماعی توجیه کرد و ادعا کرد که پوشیدن پوشیه مانع از ادغام اجتماعی زنان مسلمان می‌شود و تهدیدی برای امنیت عمومی است، این قانون واکنش‌های گسترده‌ای را برانگیخت، به‌ویژه از سوی گروه‌های حقوق بشر و سازمان‌های اسلامی که آن را نوعی سرکوب مذهبی دانستند. آن‌ها این تصمیم را به‌عنوان بخشی از فرایند امنیتی‌سازی هویت مسلمانان در فرانسه تلقی کردند (Kepel, 2017)، در عین حال، برخی از تحلیلگران بر این باورند که این قانون در واقع به‌نوعی نماد فرهنگ سکولار و سعی در بازتعریف جایگاه دین در فضای عمومی است.

ج- سیاست‌های ضدتروریسم و تأثیر آن بر مسلمانان: پس از حملات تروریستی متعدد در فرانسه، به‌ویژه حملات 11 سپتامبر 2001 و حملات تروریستی در پاریس در سال 2015، دولت فرانسه سیاست‌های امنیتی شدیدی را در قبال تهدیدات تروریستی اتخاذ کرد. این سیاست‌ها اغلب شامل نظارت‌های بیشتر، اقدامات پیشگیرانه، و اقدامات سخت‌گیرانه علیه گروه‌های افراطی مذهبی بود. در این راستا، مسلمانان، به‌ویژه کسانی که هویت‌های دینی بارزتری دارند، تحت فشار بیشتری قرار گرفتند، سیاست‌های ضدتروریسم فرانسه شامل قوانینی برای نظارت بیشتر بر مساجد، محدودیت‌های جدید بر تأسیس مدارس مذهبی، و افزایش اقدامات امنیتی در مناطق با جمعیت مسلمان بالا بود. این اقدامات به‌طور غیرمستقیم مسلمانان را تحت فشار قرار داد و موجب تشدید نگرانی‌ها در مورد اسلام‌هراسی در جامعه فرانسه شد. این سیاست‌ها باعث شد که بسیاری از مسلمانان احساس کنند که هویت دینی و فرهنگی‌شان به‌طور ناعادلانه‌ای با تهدیدات امنیتی مرتبط شده است (Strozier, 2017).

2-5 بررسی گفتمان سیاست‌مداران درباره هویت دینی و ارتباط آن با امنیت: گفتمان سیاست‌مداران فرانسوی در خصوص هویت دینی مسلمانان و ارتباط آن با امنیت به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در شکل‌دهی سیاست‌های امنیتی نقش داشته است. سیاست‌مداران فرانسوی معمولاً در تلاشند که تعادلی بین حفاظت از اصول سکولاریسم و امنیت عمومی برقرار کنند، اما گاهی این رویکرد منجر به نادیده گرفتن هویت‌های دینی و فرهنگی مسلمانان می‌شود.

الف- سکولاریسم و امنیت: سکولاریسم در فرانسه به‌عنوان یک اصل اساسی در ساختار اجتماعی و سیاسی این کشور شناخته می‌شود. سیاست‌مداران فرانسوی بارها بر این نکته تأکید کرده‌اند که برای حفظ نظم اجتماعی و اجتناب از مشکلات قومی و مذهبی، باید دین از فضای عمومی جدا باشد. در این زمینه، بسیاری از سیاست‌مداران فرانسوی با تأکید بر لائسیسم، هویت دینی مسلمانان را تهدیدی برای همبستگی اجتماعی و امنیت ملی می‌بینند (Laurence & Vaisse, 2006)، برای مثال، نیکولا سارکوزی، رئیس‌جمهور سابق فرانسه، در برخی سخنرانی‌های خود تأکید کرده بود که برای حفظ هویت ملی فرانسه و مبارزه با افراط‌گرایی دینی، باید هویت‌های دینی در فضای عمومی به حداقل برسد. این گفتمان باعث شد که بسیاری از مسلمانان احساس کنند که دین و هویت فرهنگی‌شان به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی در نظر گرفته می‌شود.

ب- امنیت و «دیگری»: بسیاری از سیاست‌مداران در فرانسه، به‌ویژه در واکنش به حملات تروریستی، بر لزوم مقابله با تهدیدات ناشی از گروه‌های افراطی مذهبی تأکید کرده‌اند. در این چارچوب، مفهوم «دیگری» یا «دیگر بودن» از نظر فرهنگی و دینی بسیار پررنگ شده است. مسلمانان در این گفتمان اغلب به‌عنوان «دیگران» شناسایی می‌شوند، کسانی که هویت دینی متفاوتی دارند و ممکن است تهدیدی برای «یکپارچگی ملی» یا «امنیت عمومی» باشند (Kepel, 2017)، این نگاه به «دیگری» در نهایت می‌تواند به شکاف‌های اجتماعی و سیاسی در فرانسه دامن بزند. برای بسیاری از مسلمانان، این سیاست‌ها نه تنها هویت دینی آن‌ها را تهدید می‌کند بلکه امنیت اجتماعی آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

6- نقش رسانه‌ها در امنیتی‌سازی

رسانه‌ها یکی از عوامل کلیدی در فرایند امنیتی‌سازی هستند و از طریق گفتمان و تصاویر خود می‌توانند به تغییر نگرش‌ها نسبت به گروه‌های خاص اجتماعی، فرهنگی یا مذهبی کمک کنند. در زمینه امنیتی‌سازی مسلمانان، رسانه‌ها نقش ویژه‌ای در ساخت و تقویت تهدیدات امنیتی ایفا کرده‌اند. به‌ویژه، مهاجرین مسلمان و جوامع مسلمان در کشورهای غربی به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان «دیگری» خطرناک معرفی شده‌اند.

الف- تحلیل گفتمان رسانه‌ها درباره مهاجرین مسلمان: مهاجران مسلمان، به‌ویژه در کشورهای غربی، غالباً به‌عنوان یک تهدید بالقوه برای امنیت ملی، فرهنگی و اجتماعی معرفی می‌شوند. این فرایند به‌طور عمده از طریق انتخاب واژه‌ها و تصاویر خاصی صورت می‌گیرد که به تقویت تصویر منفی از مسلمانان و ایجاد احساس ترس از آن‌ها کمک می‌کند.

1-6 استفاده از واژه‌ها و تصاویر برای نمایش مسلمانان به‌عنوان «دیگری خطرناک»: رسانه‌ها به‌ویژه در بحران‌ها و حوادث تروریستی، با انتخاب واژه‌ها و تصاویری خاص، مسلمانان را به‌عنوان «دیگری» یا تهدیدی بالقوه نشان می‌دهند. این واژه‌ها و تصاویر شامل اصطلاحات و نشانه‌هایی هستند که تصویری منفی از مسلمانان ایجاد می‌کنند و به امنیتی‌سازی آن‌ها دامن می‌زنند. به‌عنوان مثال، در پوشش خبری مربوط به مهاجرت، واژه‌هایی مانند «تهاجم مهاجران»، «اسلام‌گرایی افراطی» و «مسلمانان خطرناک» اغلب به‌کار می‌روند. این واژه‌ها به‌طور ناخودآگاه مسلمانان را به‌عنوان افرادی خطرناک و بیگانه نشان می‌دهند که تهدیدی برای فرهنگ و امنیت جامعه هستند (Fawaz, 2020). تصاویر نیز در این زمینه نقش زیادی دارند. بسیاری از رسانه‌ها به‌ویژه در پوشش خبری حوادث تروریستی، تصاویری از مسلمانان را به‌طور کلی با تصاویر خشونت‌آمیز، مانند تصاویر جنگ، افراط‌گرایی یا تروریسم ترکیب می‌کنند. این تصاویر به‌طور غیرمستقیم مسلمانان را با تهدیدات امنیتی مرتبط می‌سازد و به ایجاد تصاویری از آن‌ها به‌عنوان تهدیدات بالقوه امنیتی کمک می‌کند (Pew Research Center, 2018).

1-1 بررسی تأثیر پوشش خبری حملات تروریستی بر تصویر مسلمانان: پوشش خبری حملات تروریستی توسط گروه‌های افراطی، به‌ویژه حملات 11 سپتامبر 2001 در ایالات متحده، تأثیر زیادی بر تصویر مسلمانان در رسانه‌ها داشته است. رسانه‌ها پس از این حملات، به‌طور گسترده‌ای اسلام‌گرایی افراطی را با مسلمانان عادی ترکیب کردند و به‌این‌ترتیب تصویر منفی‌ای از مسلمانان ایجاد کردند. در بسیاری از موارد، مسلمانان به‌طور غیرمستقیم به‌عنوان تهدیدهایی برای امنیت عمومی معرفی شدند، این نوع پوشش‌ها باعث ایجاد احساس ترس و نگرانی در افکار عمومی شد و در نتیجه، سیاست‌های دولتی نیز بر اساس این تصاویر و مفاهیم ساخته شدند، تحقیقات نشان داده‌اند که حملات تروریستی و پوشش خبری آن‌ها باعث افزایش اسلام‌هراسی و تبعیض علیه مسلمانان در جوامع غربی شده است (Fawaz, 2020)، برای مثال، در سال‌های پس از حملات تروریستی در پاریس و بروکسل، رسانه‌ها به‌طور مداوم روی هویت دینی تروریست‌ها تأکید کردند و این موضوع باعث تشدید نگرانی‌ها نسبت به مسلمانان شد.

6-2 نقش شبکه‌های اجتماعی در تشدید یا مقابله با امنیتی‌سازی: شبکه‌های اجتماعی در دهه‌های اخیر به یک ابزار بسیار قوی در گفتمان عمومی تبدیل شده‌اند و می‌توانند به‌طور مؤثری در فرآیند امنیتی‌سازی دخالت کنند. در حالی که رسانه‌های سنتی معمولاً تأثیرات عمیق‌تری دارند، شبکه‌های اجتماعی به دلیل دسترسی سریع‌تر و گسترده‌تر به مردم، می‌توانند نقش دوگانه‌ای در تشدید یا مقابله با امنیتی‌سازی ایفا کنند.

الف- شبکه‌های اجتماعی و تشدید امنیتی‌سازی: شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه از طریق انتشار محتوای ترس‌زا، تصاویر و ویدئوهایی که به‌طور خاص مسلمانان را به‌عنوان تهدیدات امنیتی معرفی می‌کنند، می‌توانند به تشدید امنیتی‌سازی کمک کنند. این شبکه‌ها به‌دلیل سهولت دسترسی به اطلاعات و توانایی ایجاد احساسات قوی در افکار عمومی، ابزارهای مؤثری برای گسترش افکار تروریستی یا ضد اسلامی به شمار می‌آیند، گروه‌های افراطی نیز از شبکه‌های اجتماعی برای تبلیغ ایدئولوژی‌های خود و جذب نیروهای جدید استفاده می‌کنند. در عین حال، این فضا می‌تواند به یک میدان جنگ ایدئولوژیک تبدیل شود که در آن مبارزات برای تعریف و تفسیر امنیت و تهدید ادامه دارد. شبکه‌های اجتماعی می‌توانند زمینه‌ساز اسلام‌هراسی و ایجاد تصویر منفی از مسلمانان به‌ویژه در مواقع بحران باشند (Zhou, 2021).

ب- شبکه‌های اجتماعی و مقابله با امنیتی‌سازی: در کنار این جنبه‌های منفی، شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به مقابله با امنیتی‌سازی و تغییر گفتمان‌های منفی نیز کمک کنند. بسیاری از گروه‌های مسلمان و فعالان حقوق بشر از این بستر برای مبارزه با تصاویر منفی و برجسب‌های امنیتی علیه مسلمانان استفاده کرده‌اند. شبکه‌های اجتماعی به مسلمانان این امکان را می‌دهند که روایت خود را بیان کنند و تصویر مثبتی از خود بسازند. بسیاری از فعالان مسلمان از هشنگ‌ها و کمپین‌های آنلاین برای مقابله با اسلام‌هراسی و تقویت هویت اسلامی استفاده می‌کنند (Ahmed, 2018).

7- گروه‌های افراطی و هویت دینی

گروه‌های افراطی در دنیای معاصر نقش مهمی در روند امنیتی‌سازی ایفا کرده‌اند. امنیتی‌سازی به معنای فرآیند تبدیل موضوعات غیر امنیتی به مسائل امنیتی است که در آن دولت‌ها برای مقابله با تهدیدهای فرضی یا واقعی، سیاست‌های امنیتی و نظامی خود را تشدید می‌کنند. این فرآیند می‌تواند بر زندگی روزمره مردم تأثیر گذاشته و تغییرات قابل توجهی در سیاست‌ها، جامعه و حقوق فردی ایجاد کند. در این راستا، گروه‌های افراطی اسلامی و راست افراطی در سال‌های اخیر تأثیر زیادی در تشدید این روند داشته‌اند.

1-7 بررسی نقش گروه‌های افراطی (اسلام‌گرا و راست افراطی) در تشدید روند امنیتی‌سازی: گروه‌های افراطی، چه در قالب اسلام‌گرایان افراطی و چه در قالب گروه‌های راست افراطی، به‌طور عمده به دلایل مختلف در تشدید روند امنیتی‌سازی مؤثر بوده‌اند. این گروه‌ها به علت اتخاذ ایدئولوژی‌های خشونت‌آمیز و انحصارگرایی، همواره به عنوان تهدیدات امنیتی بزرگ برای دولت‌ها و جوامع مدرن شناخته می‌شوند. اسلام‌گرایان افراطی مانند گروه‌های تروریستی داعش یا طالبان از طریق اعمال خشونت و حملات تروریستی، به شدت بر سیاست‌های امنیتی کشورهای مختلف تأثیر گذاشته‌اند. این گروه‌ها با به‌کارگیری خشونت و ترور، نه تنها به‌طور مستقیم تهدیدهای امنیتی ایجاد می‌کنند، بلکه فضای عمومی را به سمت ایجاد نگرانی‌های امنیتی سوق می‌دهند (2021, Ranstorp). در نتیجه، دولت‌ها به واکنش‌های امنیتی شدیدی پرداخته و در بسیاری از موارد اقدام به افزایش نظارت، محدود کردن آزادی‌های عمومی و ایجاد قوانین امنیتی جدید می‌کنند. در مقابل، گروه‌های راست افراطی نیز در بسیاری از نقاط جهان به ویژه در اروپا و ایالات متحده، تهدیداتی مشابه ایجاد کرده‌اند. این گروه‌ها با اعمال خشونت علیه اقلیت‌ها و مهاجران، تهدیدهایی برای ثبات اجتماعی و سیاسی کشورها ایجاد کرده و موجب بروز واکنش‌های امنیتی و نظامی می‌شوند. مطالعات نشان داده‌اند که در سال‌های اخیر، گروه‌های راست افراطی با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید، توانسته‌اند به سرعت ایدئولوژی‌های خود را گسترش دهند و در برابر تهدیدات بی‌ثبات‌کننده، امنیتی‌سازی را در دستور کار دولت‌ها قرار دهند (Mudde & Kaltwasser, 2020).

2-7 چگونه اقدامات گروه‌های افراطی بهانه‌ای برای امنیتی‌سازی شده‌اند؟ اقدامات گروه‌های افراطی اغلب به بهانه‌های جدید برای اعمال سیاست‌های امنیتی تبدیل می‌شود. دولت‌ها با استفاده از تهدیدات ناشی از این گروه‌ها، می‌توانند اقدامات خاصی برای محدود کردن آزادی‌های عمومی، نظارت بر جامعه و افزایش کنترل‌های امنیتی اتخاذ کنند. این اقدامات شامل افزایش قوانین ضدتروریستی، نظارت گسترده بر ارتباطات آنلاین، و استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته برای شناسایی و مقابله با تهدیدات می‌باشد.

برای مثال، حملات تروریستی 11 سپتامبر 2001 به عنوان یک نقطه عطف در روند امنیتی‌سازی جهانی شناخته می‌شود. این حملات به دولت‌های غربی بهانه‌ای داد تا با تصویب قوانینی چون «Patriot Act»، نظارت بر ارتباطات الکترونیکی و جابجایی اطلاعات را گسترش دهند و اقداماتی برای مقابله با تهدیدات تروریستی به صورت فراگیرتر اعمال کنند (Zalman, 2019). در همین راستا، گروه‌های اسلام‌گرای افراطی مانند داعش و القاعده، با انجام حملات و تهدیدات پیوسته، به دولت‌ها این فرصت را داده‌اند که امنیتی‌سازی بیشتری را اعمال کنند. در مورد گروه‌های راست افراطی، اقدامات این گروه‌ها در حملات به مراکز مذهبی یا فرهنگی، بهانه‌ای برای افزایش کنترل بر تجمعات عمومی و محدودیت‌های بیشتری در راستای مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی به حساب می‌آید (Koehler, 2021). از این طریق، دولت‌ها قادرند سیاست‌هایی نظیر تقویت پلیس و سرویس‌های امنیتی و تقویت قوانین مربوط به مقابله با افراطگرایی را در سطح گسترده‌تری اجرایی کنند.

8- تأثیر امنیتی‌سازی بر جامعه مسلمانان

امنیتی‌سازی یکی از فرآیندهایی است که در آن مسائل اجتماعی و فرهنگی به تهدیدات امنیتی تبدیل می‌شوند. در این راستا، جامعه مسلمانان در بسیاری از کشورها به ویژه در غرب، تحت تأثیر سیاست‌ها و واکنش‌های امنیتی قرار گرفته‌اند. این امر نه تنها بر روابط بین‌فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار است، بلکه به شکل‌گیری تبعیض‌ها، اسلام‌هراسی، و چالش‌هایی در هویت‌یابی مسلمانان منجر شده است. در ادامه به تحلیل پیامدهای امنیتی‌سازی بر جامعه مسلمانان و تأثیرات آن پرداخته می‌شود.

1-8 پیامدهای امنیتی‌سازی بر مسلمانان

الف- افزایش تبعیض و اسلام‌هراسی: امنیتی‌سازی عمدتاً منجر به افزایش تبعیض علیه مسلمانان شده است. در واکنش به تهدیدات تروریستی و حملات افراطی که به گروه‌های مسلمان نسبت داده می‌شود، مسلمانان در جوامع غربی با افزایش اسلام‌هراسی مواجه شده‌اند. برخی از کشورهای غربی بعد از حملات تروریستی 11 سپتامبر 2001 و دیگر وقایع مشابه، سیاست‌هایی را به اجرا گذاشته‌اند که منجر به افزایش شائبه‌های منفی نسبت به مسلمانان شده است. تحقیقات نشان می‌دهند که مسلمانان به‌طور خاص در جوامع غربی با نگاهی تحقیرآمیز و ستیزه‌جویانه مواجه هستند که به تبعیض‌های اجتماعی، اقتصادی و حتی قانونی دامن می‌زند (Farris, 2020). به عنوان مثال، سیاست‌هایی مانند محدودیت‌های مسافرتی و امنیتی برای مسلمانان و افزایش

نظارت‌های دولتی بر مساجد و مراکز فرهنگی مسلمانان، پیامدهای منفی زیادی را به همراه داشته است. این اقدامات باعث می‌شود که مسلمانان احساس کنند که از جامعه خود جدا شده‌اند و همواره تحت نظارت و بررسی قرار دارند (Kundnani, 2014).

ب- کاهش همبستگی اجتماعی و افزایش بیگانگی مهاجرین: امنیتی‌سازی همچنین به کاهش همبستگی اجتماعی و ایجاد شکاف میان مسلمانان و جوامع میزبان منجر شده است. سیاست‌های امنیتی و قوانینی که به بهانه مقابله با تروریسم و افراطگرایی وضع می‌شوند، باعث می‌شوند که مسلمانان بیشتر از قبل احساس بیگانگی کنند. مطالعات نشان می‌دهند که این سیاست‌ها نه تنها احساس تعلق مسلمانان به جوامع میزبان را کاهش می‌دهند، بلکه موجب تقویت تمایلات جدایی‌طلبانه و مهاجرت معکوس نیز می‌شوند (Moussa, 2021)، در برخی موارد، مسلمانان به ویژه در کشورهای اروپایی، به عنوان "دیگری" و تهدیدی برای هویت ملی تلقی می‌شوند. این امر می‌تواند موجب افزایش احساس طردشدگی در میان جوانان مسلمان و همچنین ضعف در ایجاد پیوندهای اجتماعی در سطح محلی شود (Gillespie, 2016).

ج- تأثیر بر جوانان مسلمان و هویت‌یابی آنان: امنیتی‌سازی همچنین تأثیرات منفی بر هویت‌یابی جوانان مسلمان دارد. جوانان مسلمان در جوامع غربی معمولاً با چالش‌های هویتی متعدد روبرو هستند. از یک سو، آنان تحت فشارهای اجتماعی برای انطباق با هنجارهای فرهنگی و دینی جامعه میزبان قرار دارند و از سوی دیگر، از جانب سیاست‌های امنیتی و دیدگاه‌های منفی نسبت به اسلام، احساس می‌کنند که هویت دینی و فرهنگی آنان تهدید شده است. این شرایط می‌تواند به بحران هویتی منجر شود که در آن جوانان مسلمان در جستجوی معنا و پذیرش خود در جامعه باشند (Bashir, 2019)، تحقیقات نشان می‌دهند که برخی از جوانان مسلمان به دلیل این فشارهای اجتماعی و امنیتی، ممکن است به دنبال هویت‌های افراطی و رادیکال بروند، به ویژه هنگامی که احساس می‌کنند جامعه به طور عمدی آن‌ها را از هویت ملی خود محروم کرده است (Bleich, 2018).

8-2 نقش سازمان‌های اسلامی در مقابله با امنیتی‌سازی: سازمان‌های اسلامی در سراسر جهان نقش مهمی در مقابله با پیامدهای منفی امنیتی‌سازی ایفا کرده‌اند. این سازمان‌ها تلاش می‌کنند تا با ارائه دیدگاه‌های متعادل و گفتگو با مقامات دولتی، به کاهش تبعیض‌های اجتماعی و بهبود روابط میان مسلمانان و جوامع میزبان کمک کنند. برخی از این سازمان‌ها از طریق برگزاری کارگاه‌ها، سمینارها و دوره‌های آموزشی در تلاش‌اند تا به مسلمانان کمک کنند که به شکلی مثبت و مؤثر در جوامع خود مشارکت کنند، علاوه بر این، سازمان‌های اسلامی در بسیاری از موارد برای جلوگیری از افزایش اسلام‌هراسی، اقدام به ترویج دیالوگ بین‌دینی و همکاری با دیگر گروه‌های مذهبی کرده‌اند. به عنوان مثال، برخی از سازمان‌های اسلامی در اروپا از طریق همکاری با کلیساها و جوامع یهودی، به تقویت همبستگی میان اقلیت‌های مذهبی و ایجاد فضای تفاهم در برابر تهدیدات امنیتی پرداخته‌اند (Bakker, 2020)، همچنین، برخی از سازمان‌ها بر آموزش و آگاهی‌بخشی در زمینه حقوق بشر و قوانین ضد تبعیض تأکید دارند و به مسلمانان کمک می‌کنند تا از حقوق خود در برابر اقدامات امنیتی و تبعیض‌آمیز دفاع کنند (Sirin & Fine, 2021)، این اقدامات می‌توانند به کاهش اثرات منفی امنیتی‌سازی و بهبود وضعیت مسلمانان در جوامع غربی کمک کنند.

9- پیامدهای اجتماعی و سیاسی امنیتی‌سازی در فرانسه

امنیتی‌سازی مفهومی است که به فرایند تبدیل مسائل اجتماعی یا سیاسی به تهدیدات امنیتی اطلاق می‌شود، به‌ویژه هنگامی که دولت‌ها برای مقابله با تهدیدات فرضی یا واقعی از تدابیر امنیتی سختگیرانه استفاده می‌کنند. این فرایند تأثیرات عمیقی بر روابط اجتماعی و سیاسی در جوامع مختلف می‌گذارد، به‌ویژه در جوامع چندفرهنگی مانند فرانسه. در این متن، پیامدهای امنیتی‌سازی بر روابط اجتماعی میان مسلمانان و سایر گروه‌ها، افزایش تنش‌های اجتماعی و سیاسی در فرانسه، و پیامدهای بلندمدت آن بر انسجام ملی بررسی می‌شود.

9-1 تأثیر امنیتی‌سازی بر روابط اجتماعی بین مسلمانان و سایر گروه‌ها: یکی از پیامدهای مهم امنیتی‌سازی در فرانسه، تقویت شکاف‌ها و تنش‌ها بین مسلمانان و سایر گروه‌های اجتماعی است. سیاست‌های امنیتی شدید و تصویرسازی منفی از مسلمانان به‌عنوان تهدیدات امنیتی، به‌ویژه پس از حملات تروریستی در سال‌های اخیر، باعث شده است که مسلمانان در این کشور بیشتر به‌عنوان گروهی «غیر» و «بیگانه» دیده شوند (Bakker & de Graaf, 2020)، این روند می‌تواند منجر به افزایش بی‌اعتمادی و تبعیض در میان گروه‌های مختلف اجتماعی شود، مردم مسلمان به‌ویژه در حومه‌های شهرهای بزرگ فرانسه، در معرض تبعیض نژادی و فرهنگی قرار می‌گیرند که در نتیجه امنیتی‌سازی سیاست‌ها و افکار عمومی تقویت می‌شود. همچنین، این امر باعث می‌شود که مسلمانان احساس کنند که در جامعه فرانسه به‌عنوان شهروندان درجه دوم شناخته می‌شوند (Lefebvre, 2021).

9-2 بررسی افزایش تنش‌های اجتماعی و سیاسی در فرانسه: امنیتی‌سازی نه تنها بر روابط اجتماعی اثر گذاشته، بلکه تنش‌های سیاسی و اجتماعی را در فرانسه افزایش داده است. در سال‌های اخیر، شاهد موجی از اعتراضات و درگیری‌های اجتماعی در مناطقی مانند «پری» و «سان‌دنی» بوده‌ایم که در آن‌ها جمعیت‌های مسلمان به‌ویژه در برابر سیاست‌های سختگیرانه امنیتی و انکشاف نشان داده‌اند (Tilly, 2018)، این اعتراضات نه تنها در سطح محلی بلکه در سطح ملی نیز تأثیرگذار بوده‌اند و به تقویت سیاست‌های امنیتی و ضدتروریستی انجامیده‌اند، همچنین، در سطوح سیاسی، احزاب راست‌گرا و افراطی در فرانسه با استفاده از زبان امنیتی‌سازی، موفق به جذب حمایت‌هایی از بخش‌هایی از جامعه شده‌اند که نگران تهدیدات تروریستی و مهاجرت هستند. این گروه‌ها با طرح مسائل امنیتی به‌عنوان اولویت‌های ملی، به شدت بر روابط مسلمانان و غیرمسلمانان تأثیر گذاشته‌اند و باعث افزایش دوقطبی‌سازی در سیاست‌ها شده‌اند (2019, Mamadouh).

9-3 پیامدهای بلندمدت امنیتی‌سازی بر انسجام ملی فرانسه: یکی از پیامدهای بلندمدت امنیتی‌سازی، تهدید به انسجام ملی در فرانسه است. با افزایش تقسیمات اجتماعی و کاهش اعتماد میان گروه‌های مختلف، امنیتی‌سازی می‌تواند باعث تضعیف وحدت ملی و انسجام اجتماعی شود. احساس بیگانگی در میان جوامع مسلمان، به‌ویژه در مناطقی که در آن‌ها تمرکز جمعیتی مسلمانان زیاد است، ممکن است به بحران هویتی و اجتماعی منجر شود. علاوه بر این، سیاست‌های امنیتی می‌توانند زمینه را برای ایجاد نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی فراهم کرده و باعث افزایش شکاف‌های اجتماعی شوند که در نهایت می‌تواند تهدیدی برای ثبات کشور باشد (Hassner, 2021).

10- راهکارها و پیشنهادها برای کاهش امنیتی‌سازی هویت دینی

امنیتی‌سازی هویت دینی، به‌ویژه هویت مسلمانان، یکی از مسائلی است که در بسیاری از جوامع غربی، از جمله فرانسه، در دهه‌های اخیر مطرح شده است. این روند می‌تواند پیامدهای منفی زیادی بر انسجام اجتماعی، وحدت ملی و روابط بین‌فرهنگی بگذارد. در این راستا، به منظور کاهش امنیتی‌سازی هویت دینی، به‌ویژه در رابطه با مسلمانان، چندین راهکار و پیشنهاد قابل اجرا وجود دارد که به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

1-10 اصلاح سیاست‌های مهاجرتی و قوانین مرتبط با دین: یکی از مهم‌ترین راهکارها برای کاهش امنیتی‌سازی هویت دینی، اصلاح سیاست‌های مهاجرتی و قوانین مرتبط با دین است. بسیاری از سیاست‌های مهاجرتی که در حال حاضر در کشورهای اروپایی از جمله فرانسه اعمال می‌شود، به‌ویژه سیاست‌های محدودکننده‌ای که به شهروندان و مهاجران مسلمان تعلق دارند، موجب تقویت احساس بیگانگی و نابرابری در این گروه‌ها می‌شود (Joppke, 2020)، اصلاح این سیاست‌ها به معنای فراهم کردن فرصت‌های بیشتر برای مشارکت مسلمانان در جامعه و رفع محدودیت‌های موجود در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است، به عنوان مثال، دولت‌ها می‌توانند از طریق ایجاد سیستم‌های مهاجرتی بازتر و عادلانه‌تر، درک متقابل بین جوامع مختلف را تسهیل کنند و فرصت‌های بیشتری برای مسلمانان فراهم نمایند تا به‌طور کامل در زندگی اجتماعی و سیاسی مشارکت کنند. این اصلاحات می‌تواند به کاهش احساس حاشیه‌نشینی و ترس از دیگران کمک کند (Castles, 2019).

2-10 تقویت گفتگوهای بین‌فرهنگی و مذهبی: گفتگوهای بین‌فرهنگی و مذهبی نقش مهمی در کاهش تنش‌های اجتماعی و کاهش امنیتی‌سازی هویت دینی دارند. افزایش تعاملات بین گروه‌های مختلف دینی و فرهنگی می‌تواند باعث کاهش سوءتفاهم‌ها و تقویت همبستگی اجتماعی شود. در این راستا، برنامه‌های آموزشی و فرهنگی می‌تواند به تسهیل این فرآیند کمک کند، به‌ویژه، مدارس و دانشگاه‌ها می‌توانند با ارائه دوره‌های آموزشی در مورد تاریخ، فرهنگ و دین مسلمانان، و همچنین با برگزاری رویدادهای فرهنگی مشترک، فرصت‌هایی برای تبادل دیدگاه‌ها و تجربیات فراهم کنند (Hughes & Hunt, 2021)، این گفتگوها می‌تواند منجر به ایجاد فضای صلح‌آمیزتر و کاهش تمایلات امنیتی‌سازی شوند. به‌علاوه، سازمان‌های مذهبی باید نقش فعال‌تری در ایجاد پل‌های ارتباطی میان مسلمانان و غیرمسلمانان ایفا کنند تا به افزایش درک و پذیرش متقابل کمک نمایند.

3-10 استفاده از رسانه‌ها برای ایجاد گفت‌وگو مثبت درباره مسلمانان: رسانه‌ها ابزار قدرتمندی در شکل‌دهی به افکار عمومی و ایجاد گفت‌وگوهای اجتماعی هستند. استفاده مؤثر از رسانه‌ها برای ایجاد گفت‌وگو مثبت و انسانی درباره مسلمانان می‌تواند یکی از ابزارهای کلیدی در کاهش امنیتی‌سازی هویت دینی باشد. بسیاری از رسانه‌ها به‌ویژه پس از حملات تروریستی، تصویر منفی و نادرستی از مسلمانان ارائه داده‌اند که به ایجاد ترس و بی‌اعتمادی در جامعه کمک کرده است (Kushner, 2019)، رسانه‌ها می‌توانند با پرداختن به جنبه‌های مثبت و متنوع مسلمانان، همچون مشارکت‌های اجتماعی، فرهنگی و علمی آن‌ها، در اصلاح نگرش‌ها و شکستن کلیشه‌های منفی نقش ایفا کنند. به‌ویژه استفاده از داستان‌های واقعی و تجربیات فردی مسلمانان می‌تواند باعث ایجاد تصویری انسان‌محور و غیرتهدیدآمیز از مسلمانان در جامعه شود (Katz, 2022).

نتیجه گیری

امنیتی‌سازی هویت دینی مهاجرین مسلمان در فرانسه مسئله‌ای پیچیده و چندجانبه است که نه تنها بر روابط اجتماعی و فرهنگی تأثیر می‌گذارد، بلکه پیامدهای سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای را نیز به دنبال دارد. امنیتی‌سازی، فرآیندی است که در آن هویت‌های دینی و فرهنگی، به‌ویژه هویت مسلمانان، به تهدیدات امنیتی تبدیل می‌شوند و این تبدیل تهدید، به نوبه خود موجب شکل‌گیری تصورات منفی و تقویت تبعیض‌ها و نابرابری‌ها در جامعه می‌شود. این فرآیند در فرانسه، به ویژه پس از حملات تروریستی و بحران‌های امنیتی، شدت بیشتری یافته است، یکی از پیامدهای اصلی امنیتی‌سازی، افزایش بی‌اعتمادی و جدایی اجتماعی میان مسلمانان و دیگر گروه‌ها در جامعه است. مسلمانان در بسیاری از موارد به‌عنوان "دیگری" و "تهدیدی برای هویت ملی" تلقی می‌شوند و این نگاه منفی می‌تواند به نابرابری‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی منجر شود. علاوه بر این، امنیتی‌سازی منجر به افزایش فشارهای سیاسی و قانونی علیه مسلمانان شده و حقوق آن‌ها را در بسیاری از زمینه‌ها محدود می‌کند.

برای مقابله با این چالش‌ها، نیاز به رویکردهایی جامع و چندوجهی است که علاوه بر اصلاح سیاست‌های مهاجرتی و اجتماعی، بر تقویت همبستگی اجتماعی و کاهش تقسیمات موجود تأکید کند. تقویت گفت‌وگوهای بین‌فرهنگی و مذهبی و استفاده مؤثر از رسانه‌ها برای ایجاد گفت‌وگو مثبت و انسانی درباره مسلمانان می‌تواند از گسترش نگرش‌های منفی و امنیتی‌سازی هویت دینی جلوگیری کند. این اقدامات نه تنها به کاهش تنش‌های اجتماعی و سیاسی کمک می‌کنند، بلکه می‌توانند به یکپارچگی و انسجام اجتماعی در جامعه فرانسه کمک نمایند، در نهایت، کاهش امنیتی‌سازی هویت دینی مهاجرین مسلمان در فرانسه نیازمند همکاری مؤثر دولت‌ها، نهادهای اجتماعی، رسانه‌ها و خود مسلمانان است. این رویکردها می‌توانند به ایجاد فضای صلح‌آمیزتر و منصفانه‌تری در جامعه چندفرهنگی فرانسه کمک کرده و از تبدیل هویت دینی به تهدیدی جلوگیری کنند.

منابع فارسی

1. بهنام، محمد (1397)، مهاجرت مسلمانان به فرانسه: تأثیرات اجتماعی و امنیتی‌سازی، فصلنامه تحولات اجتماعی ایران
2. جعفری، بهرام، (1397)، چالش‌های هویت‌سازی مسلمانان در فرانسه: تأثیرات اجتماعی و فرهنگی، مجله فرهنگی جامعه‌شناسی
3. حسینی، رضا، (1398)، تأثیر سیاست‌های ضدتروریسم فرانسه بر جامعه مسلمانان، فصلنامه روابط بین‌الملل و سیاست عمومی
4. حسینی، علی (۱۴۰۰)، امنیتی‌سازی در جوامع چندفرهنگی: نگاهی به وضعیت مسلمانان در فرانسه، نشریه بین‌المللی سیاست و جامعه‌شناسی، 30(1)
5. حیدری، محمد (1399)، نقد و بررسی سیاست‌های مهاجرتی فرانسه و آثار آن بر مسلمانان مهاجر، فصلنامه مطالعات مهاجرت، 18(1)
6. رستمی، یعقوب، (1400)، نقش دولت فرانسه در امنیتی‌سازی مسلمانان مهاجر، نشریه تحلیل‌های اجتماعی و فرهنگی
7. رضایی، نرگس، (1399)، گفت‌وگوهای سیاسی و امنیتی‌سازی در فرانسه: تأثیر بر هویت مسلمانان، نشریه مطالعات جهانی
8. رضایی، مصطفی (1398)، نقش رسانه‌ها در ساخت هویت دینی مهاجران مسلمان در اروپا، مجله مطالعات ارتباطات، 15(4)
9. زارعی، یوسف (1399)، اسلام‌هراسی و پیامدهای آن بر امنیت اجتماعی فرانسه، نشریه علوم سیاسی
10. سادات‌پور، زهرا (1401)، امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان در فرانسه: تحلیل رویکردهای جدید. مجله سیاست‌گذاری عمومی و جامعه، 22(4)
11. صادقی، حسین، (1401)، امنیتی‌سازی هویت مسلمانان در فرانسه: تحلیل حقوقی و اجتماعی، مجله حقوق بشر و سیاست
12. عبدی، حسین (1400)، امنیتی‌سازی هویت دینی و آثار آن بر جوامع مهاجر، نشریه مسائل اجتماعی ایران
13. علوی، مجید، (1399)، نظریه‌های امنیتی‌سازی و هویت دینی مهاجرین مسلمان در فرانسه، فصلنامه بین‌المللی سیاست‌گذاری دینی
14. فروغی، علی، (1397)، چالش‌های هویت دینی مسلمانان و تأثیرات امنیتی‌سازی در فرانسه، مجله مطالعات اجتماعی و سیاسی
15. کریمی، مینا (1400)، هویت دینی مسلمانان در فرانسه: چالش‌ها و فرصت‌ها، مجله مطالعات بین‌فرهنگی
16. کمالی، فاطمه (1397)، اسلام‌هراسی و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی در اروپا، فصلنامه مطالعات سیاسی بین‌المللی، 16(3)
17. محمدی، احمد (1398)، پویایی‌های هویت دینی در فرانسه و چالش‌های امنیتی‌سازی آن، نشریه بین‌المللی روابط فرهنگی، 12(2)
18. محمودی، امیر (1400)، رسانه‌ها و چالش‌های هویت دینی مسلمانان در فرانسه، مجله مطالعات رسانه و فرهنگ
19. نیک‌پناه، هادی (1399)، امنیتی‌سازی و تأثیر آن بر هویت دینی مهاجران مسلمان در فرانسه، فصلنامه مطالعات اجتماعی و فرهنگی، 24(2)

20. یوسفی، سمیه، (1398)، امنیت‌سازی و پیامدهای آن بر روابط اجتماعی مسلمانان در فرانسه، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی

منابع خارجی

21. Bakker, E., & Duyvendak, J. W. (2012). *Muslims in the Netherlands: The securitization of religion and identity*.
22. Cohen, R. (2022). *Global diasporas: An introduction*. Routledge.
23. Huysmans, J. (2006). *The politics of insecurity: Fear, migration and asylum in the EU*. Routledge.
24. Bigo, D. (2008). Globalized (In)Security: The Field of the 'European Security'.
25. Fassin, D. (2017). *The Crisis of the Secular State: Religion, Politics and the Security of Muslims in France*.